

اعلام آمادگی بانک‌های عامل برای تأمین مالی ارزی طرح‌های اقتصادی، این پرسش را مطرح کرده است که منابع مورد نیاز بانک‌ها از چه محلی تجهیز می‌شود و آیا گسترش پرداخت تسهیلات ارزی می‌تواند به افزایش تعهدات و تشدید ناترازی ارزی شبکه بانکی منجر شود. پاسخ به این پرسش، بیش از آنکه به رقم اسمی منابع اعلام‌شده وابسته باشد، به ماهیت منابع، قابلیت انتقال، دوره ماندگاری و نحوه بازپرداخت تسهیلات مربوط است.

بانک‌ها ممکن است در صورت‌های مالی یا برنامه‌های اعتباری خود از ظرفیت قابل‌توجهی برای تأمین مالی ارزی سخن بگویند، اما تمام این ظرفیت الزاماً از نقد، آزاد و متعلق به بانک نیست. بخشی از منابع ممکن است در قالب خطوط اعتباری بانک مرکزی، منابع صندوق توسعه ملی، سپرده‌های ارزی مشتریان، ارز حاصل از صادرات شرکت‌ها یا مانده حساب‌های بانک نزد کارگزاران خارجی شکل گرفته باشد. هر یک از این منابع، ساختار هزینه، سررسید و ریسک متفاوتی دارند.

ایهام در تعریف ظرفیت ارزی بانک‌ها

یکی از مسائل اصلی، نبود تعریف یکسان و شفاف از «منابع ارزی در دسترس» است. ممکن است بانکی مطالبات ارزی خود از مشتریان، سپرده‌های ارزی اشخاص، موجودی حساب‌های خارجی و خطوط اعتباری تخصیص‌یافته را در محاسبه ظرفیت ارزی لحاظ کند، در حالی که بخشی از این منابع در کوتاهمدت قابل برداشت یا انتقال نیست.

برای مثال، منابع موجود در حساب یک بانک نزد کارگزار خارجی ممکن است به دلیل محدودیت‌های نقل‌وانتقال، تحریم یا الزامات تطبیق نقدشوندگی محدودی داشته باشد. در مقابل، سپرده‌گذار ارزی می‌تواند بر اساس قرارداد، بازپرداخت اصل و سود سپرده خود را مطالبه کند. در چنین شرایطی، وجود دارایی ارزی در ترازنامه به‌تنهایی به معنای توان ایفای قرض تعهدات ارزی نیست. خطوط اعتباری بانک مرکزی نیز ماهیت یکسانی ندارند. گاهی بانک عامل فقط وظیفه

در نگاه نخست، کمبود نیروی کار در روستا شاید یک تناقض عجیب به نظر برسد؛ روستاهایی که سال‌هاست بخشی از جمعیت جوان خود را به دلیل نبود فرصت شغلی و مهاجرت به شهرها از دست می‌دهند؛ اکنون در برخی مناطق با مشکل دیگری روبرو شده‌اند؛ زمین هست، تولید هست، اما برای بخشی از کارهای کشاورزی و دامداری نیروی انسانی پیدا نمی‌شود.

این مسئله تنها یک روایت محلی نیست، بررسی گزارش‌های رسمی از استان‌ها هم مختلف نشان می‌دهد؛ کمبود نیروی کار در بخش‌هایی از کشاورزی و دامداری و مرغاری به یک مسئله واقعی تبدیل شده است؛ مشکلی که در فصل برداشت محصولات شدیدتر می‌شود و در برخی واحدهای تولیدی حتی بر میزان تولید اثر گذاشته‌اند.

کمبود نیروی کار کشاورزی و دامداری
تازترین نمونه، استان زنجان است. معاون استاندار زنجان در شهریور ۱۴۰۵ اعلام کرد واحدها و مرغاری در پرورش طیور این استان با کمبود نیروی کار مواجه‌اند و حدود ۳۰۰ نیروی

روستا هم پیکار دارد هم کمبود نیروی کار!

جدید نیاز دارند. او همچنین از کمبود نیروی کار در فصل برداشت محصولات کشاورزی خبر داد و گفت بخشی از این کمبود با حضور نیروهای غیربومی جبران می‌شود.

پیش از آن نیز در چهارمحال و بختیاری، مسئول بخش کشاورزی از کمبود نیروی کار در مرغاری‌ها خبر داد بودند؛ به‌گونه‌ای که برخی واحدها به دلیل نداشتن نیروی انسانی نمی‌توانستند با ظرفیت کامل فعالیت کنند.

در فریدن اصفهان نیز کمبود نیروی کار در فصل کشت پیاز به حدی گزارش شده بود که مدیر جهاد کشاورزی شهرستان اعلام کرد نیاز روزانه به کارگر داخل شهرستان امکان‌پذیر نیست.

این داده‌ها یک سؤال اساسی ایجاد می‌کند؛ چگونه ممکن است مناطقی که با مهاجرت و بیکاری مواجه‌اند، همزمان کارگر مورد نیاز بخش تولید خود را پیدا نکنند؟

تناقض اصلی

پاسخ این تناقض را نمی‌توان صرفاً در یک عامل خلاصه کرد. کمبود نیروی کار به این معنا نیست که هیچ فرد بیکاری در منطقه وجود ندارد؛ بلکه نشان می‌دهد میان نیروی کار موجود و نوع کار مورد نیاز کشاورزی فاصله ایجاد شده است.

کار کشاورزی در بسیاری از مناطق سخت، فصلی، جسمی و وابسته به زمان است. یک باغدار ممکن است تنها چند هفته برای برداشت محصول در تعداد زیادی کار نگار نیاز داشته باشد؛ نیرویی که پس از پایان برداشت، شغل دائمی تضمین‌شده‌ای

ظرفیت‌های جدید صادرات مس ایران به چین

«مسعود استادحسین»؛ رایزن بازرگانی ایران در شانگهای با اشاره به ترکیب صادرات مس به چین، می‌گوید: صادرات ایران به این بازار بیشتر بر محصولات با ارزش افزوده بالاتر از جمله کاند و مقاطع نیمه‌ساخته متمرکز است و سیاست‌های شرکت ملی صنایع مس ایران در زمینه تکمیل زنجیره ارزش و فراوری داخلی سنگ معدن، در کنار محدودیت‌های لجستیکی حمل کانسارته، در شکل‌گیری این الگو مؤثر بوده است. استادحسین، یکی از ظرفیت‌های مغفول صادرات مس ایران را اشتقاق شیمیایی، به‌ویژه سولفات مس و اکسیدهای مس عنوان می‌کند و می‌افزاید: بازار جهانی سولفات مس در سال ۲۰۲۶ حدود یک میلیارد و ۳۵۰ میلیون دلار ارزش دارد

اقتصادی



تأمین منابع ارزی از بانک‌ها ظرفیت تازه یا ناترازی پنهان؟

فرصت همراه با تهدید
درآمدهای صادراتی یکی از مهم‌ترین مسیرهای تجهیز منابع ارزی بانک‌هاست. شرکت‌های صادراتی می‌توانند ارز حاصل از فروش محصولات خود را در حساب‌های ارزی نگهداری کنند یا از طریق بانک برای واردات مواد اولیه، تجهیزات و خدمات مورد نیاز انتقال دهند.

بانک نیز با تجمع این جریان‌ها، امکان تأمین مالی برخی طرح‌های ارزی را به دست می‌آورد. با این حال، سپرده یا درآمد ارزی مشتری، بدهی بانک محسوب می‌شود و نمی‌توان آن را بدون توجه به زمان برداشت، به تسهیلات بلندمدت تبدیل کرد.

اگر سپرده‌های کوتاهمدت یا دیداری صرف تأمین مالی پروژه‌هایی شوند که چند سال بعد به مرحله بازپرداخت می‌رسند، بانک با شکاف سررسید مواجه خواهد شد. این وضعیت حتی

ندارد. همین ویژگی باعث می‌شود حتی در مناطقی که نرخ بیکاری بالاست، نیروی کار لزوماً حاضر نباشد وارد کارهای فصلی و سخت کشاورزی شود. نمونه طارم در برداشت زیتون این مسئله را به‌خوبی نشان می‌دهد. مسئول محلی پیش‌تر اعلام کرده بودند نیروی انسانی بومی شهرستان در دوره کوتاه برداشت پاسخگوی نیاز باغ‌ها نیست و بخشی از نیاز باید از طریق کارگران فصلی غریب‌بومی تأمین شود. بنابراین، مسئله امروز فقط «نبود کارگر» نیست، بلکه در بسیاری از مناطق، نبود کارگری است که حاضر باشد در زمان، مکان و شرایط مورد نیاز کشاورزی کار کند.

جوان روستا چرا کشاورز را انتخاب نمی‌کند؟

یکی از مهم‌ترین پاسخ‌ها به بحران کمبود نیروی کار، تغییر نگرش نسل جدید به شغل کشاورزی است. نتایج سرشماری عمومی کشاورزی ۱۴۰۳ نشان می‌دهد میانگین سنی بهره‌برداران کشاورزی کشور به ۵۳ سال رسیده است. همچنین بیش از ۶۰ درصد بهره‌برداران بالای ۵۰ سال سن دارند. این عدد یک هشدار جدی برای آینده نیروی کار غریب‌بومی باشد.

دستمزد پایین، علت اصلی کمبود کارگر در روستاهاست. حداقل مزد رسمی سال ۱۴۰۴ افزایش قابل‌توجهی داشت و حداقل مزد روزانه برای کارگران مسئول قانون کار تعیین شد، اما قدرت خرید کارگران را ترمیم نکرد. ضمن اینکه کشاورزی با دستمزدی صرف «دستمزد روزانه» روستایی دو و یک دهم درصد کاهش یافته، در حالی که اشتغال کشاورزی در مناطق شهری رشد داشته است؛ این یعنی خروج نیروی کار روستایی از کشاورزی، از ورود نیروی جدید به این بخش سریع‌تر بوده است.

کاهش نیروی کار کشاورزی البته پدیده‌ای یکساله نیست. در یک روند بلندمدت، تعداد شاغلان بخش کشاورزی کشور نیز کاهش پیدا کرده و سهم این بخش از بازار کار نسبت به گذشته کوچک‌تر شده است. اما در اقتصاد روستایی، این روند اهمیت بیشتری دارد؛ زیرا کشاورزی هنوز یکی از اصلی‌ترین پایه‌های اشتغال و درآمد است. بنابراین، خروج نیروی کار از کشاورزی فقط به معنای تغییر شغل نیست. در برخی مناطق، این خروج می‌تواند به معنای کاهش ظرفیت تولید، افزایش هزینه برداشت و وابستگی بیشتر به نیروی کار غریب‌بومی باشد.

دستمزد پایین، علت اصلی کمبود کارگر در روستاهاست. حداقل مزد رسمی سال ۱۴۰۴ افزایش قابل‌توجهی داشت و حداقل مزد روزانه برای کارگران مسئول قانون کار تعیین شد، اما قدرت خرید کارگران را ترمیم نکرد. ضمن اینکه کشاورزی با دستمزدی صرف «دستمزد روزانه» روستایی دو و یک دهم درصد کاهش یافته، در حالی که اشتغال کشاورزی در مناطق شهری رشد داشته است؛ این یعنی خروج نیروی کار روستایی از کشاورزی، از ورود نیروی جدید به این بخش سریع‌تر بوده است.

کاهش نیروی کار کشاورزی البته پدیده‌ای یکساله نیست. در یک روند بلندمدت، تعداد شاغلان بخش کشاورزی کشور نیز کاهش پیدا کرده و سهم این بخش از بازار کار نسبت به گذشته کوچک‌تر شده است. اما در اقتصاد روستایی، این روند اهمیت بیشتری دارد؛ زیرا کشاورزی هنوز یکی از اصلی‌ترین پایه‌های اشتغال و درآمد است. بنابراین، خروج نیروی کار از کشاورزی فقط به معنای تغییر شغل نیست. در برخی مناطق، این خروج می‌تواند به معنای کاهش ظرفیت تولید، افزایش هزینه برداشت و وابستگی بیشتر به نیروی کار غریب‌بومی باشد.

دستمزد پایین، علت اصلی کمبود کارگر در روستاهاست. حداقل مزد رسمی سال ۱۴۰۴ افزایش قابل‌توجهی داشت و حداقل مزد روزانه برای کارگران مسئول قانون کار تعیین شد، اما قدرت خرید کارگران را ترمیم نکرد. ضمن اینکه کشاورزی با دستمزدی صرف «دستمزد روزانه» روستایی دو و یک دهم درصد کاهش یافته، در حالی که اشتغال کشاورزی در مناطق شهری رشد داشته است؛ این یعنی خروج نیروی کار روستایی از کشاورزی، از ورود نیروی جدید به این بخش سریع‌تر بوده است.



اعلام آمادگی بانک‌های عامل برای تأمین مالی ارزی طرح‌های اقتصادی، این پرسش را مطرح کرده است که منابع مورد نیاز بانک‌ها از چه محلی تجهیز می‌شود و آیا گسترش پرداخت تسهیلات ارزی می‌تواند به افزایش تعهدات و تشدید ناترازی ارزی شبکه بانکی منجر شود. پاسخ به این پرسش، بیش از آنکه به رقم اسمی منابع اعلام‌شده وابسته باشد، به ماهیت منابع، قابلیت انتقال، دوره ماندگاری و نحوه بازپرداخت تسهیلات مربوط است.

افزایش پرداخت تسهیلات ارزی زمانی به ناترازی منجر نمی‌شود که بانک برای هر تعهد، منبعی هم‌از، هم‌سررسید و واقعاً قابل انتقال داشته باشد. اگر سپرده کوتاهمدت به وام بلندمدت تبدیل شود یا دریافت‌کننده تسهیلات فاقد درآمد ارزی باشد، ریسک نوسان نرخ ارز و نکول در نهایت به ترازنامه بانک منتقل خواهد شد.

بر این اساس، انتشار رقم کلی ظرفیت ارزی برای اطمینان از پایداری عملیات بانک‌ها کافی نیست. بانک مرکزی و بانک‌های عامل باید ترکیب منابع را به تفکیک نوع ارز، مالکیت، سررسید و قابلیت انتقال اعلام کنند. همچنین لازم است میزان موقعیت باز ارزی، شکاف سررسید، مطالبات غیرجاری ارزی و نتایج آزمون تنش ناشی از جهش نرخ ارز مشخص شود.

تأمین مالی ارزی می‌تواند به واردات ماشین‌آلات، تکمیل طرح‌های تولیدی و افزایش صادرات کمک کند، اما توسعه آن بدون ضوابط احتیاطی، ریسک تازهای برای شبکه بانکی ایجاد می‌کند. معیار اصلی نه حجم اسمی منابع، بلکه توان بانک در ایفای تعهدات ارزی در زمان مقرر و بدون اتکا به مداخله اضطراری بانک مرکزی است. عندالمطالبه باشد.

مانند غلات، امکان جایگزینی بخشی از نیروی انسانی با ماشین‌آلات بیشتر است اما در برخی فعالیت‌های باغی، برداشت محصولات حساس و برخی عملیات انتقال، همچنان نیروی انسانی نقش مهمی دارد. ضمن اینکه جایگزینی نیروی انسانی با فناوری به سرمایه‌گذاری نیاز دارد و همه بهره‌برداران کوچک روستایی توان خرید تجهیزات جدید را

در نگاه نخست، کمبود نیروی کار در روستا شاید یک تناقض عجیب به نظر برسد؛ روستاهایی که سال‌هاست بخشی از جمعیت جوان خود را به دلیل نبود فرصت شغلی و مهاجرت به شهرها از دست می‌دهند؛ اکنون در برخی مناطق با مشکل دیگری روبرو شده‌اند؛ زمین هست، تولید هست، اما برای بخشی از کارهای کشاورزی و دامداری نیروی انسانی پیدا نمی‌شود.



ندارند. در نتیجه، راحل کمبود نیروی کار احتمالاً از ترکیبی از مکانیزاسیون، افزایش بهره‌وری، آموزش نیروی ماهر و بهبود شرایط اقتصادی اشتغال در روستا خواهد بود.

تکنه مهم

در روستا، «بیکاری در روستا» و «کمبود کارگر در روستا» دو پدیده متناقض هستند اما بررسی وضعیت کشاورزی نشان می‌دهد این دو می‌توانند همزمان وجود داشته باشند. ممکن است فردی بیکار باشد اما حاضر به انجام کار فصلی، سخت و کم‌ثبات کشاورزی نباشد. ممکن است جوان روستایی وجود داشته باشد اما مهارت مورد نیاز یک واحد گلخانه‌ای را مرغاری را نداشته باشد. ممکن است کارگر در منطقه وجود داشته باشد اما در فصل برداشت، تعداد مورد نیاز تولیدکننده بسیار بیشتر از ظرفیت نیروی محلی باشد.

به کمبود جمعیت مواجه نیست؛ در برخی مناطق با کمبود هزینه‌های جدیدی ایجاد کند؛ از تأمین محل اقامت و حمل‌ونقل گرفته تا دشواری هماهنگی نیروی کار در فصل‌های اوج تولید. علاوه بر این، چنین الگویی مسئله اصلی را حل نمی‌کند.

دستمزد پایین، علت اصلی کمبود کارگر در روستاهاست. حداقل مزد رسمی سال ۱۴۰۴ افزایش قابل‌توجهی داشت و حداقل مزد روزانه برای کارگران مسئول قانون کار تعیین شد، اما قدرت خرید کارگران را ترمیم نکرد. ضمن اینکه کشاورزی با دستمزدی صرف «دستمزد روزانه» روستایی دو و یک دهم درصد کاهش یافته، در حالی که اشتغال کشاورزی در مناطق شهری رشد داشته است؛ این یعنی خروج نیروی کار روستایی از کشاورزی، از ورود نیروی جدید به این بخش سریع‌تر بوده است.

دستمزد پایین، علت اصلی کمبود کارگر در روستاهاست. حداقل مزد رسمی سال ۱۴۰۴ افزایش قابل‌توجهی داشت و حداقل مزد روزانه برای کارگران مسئول قانون کار تعیین شد، اما قدرت خرید کارگران را ترمیم نکرد. ضمن اینکه کشاورزی با دستمزدی صرف «دستمزد روزانه» روستایی دو و یک دهم درصد کاهش یافته، در حالی که اشتغال کشاورزی در مناطق شهری رشد داشته است؛ این یعنی خروج نیروی کار روستایی از کشاورزی، از ورود نیروی جدید به این بخش سریع‌تر بوده است.

صفحه ۱۲

سه‌شنبه ۱۷ شهریور ۱۴۰۵

۲۶ ربیع‌الاول ۱۴۴۸ – شماره ۲۴۲۳۹

عرضه محصولات مونتاژ کاران خودرو ۵۰ درصد گران‌تر از منطقه

حضور گسترده خودروهای چینی در بازار ایران طی سال‌های اخیر باعث شده بخش مهمی از تقاضای خودروهای نیمه‌لوکس، کراس‌اوور و شاسی‌بلند به محصولات برندهایی مانند چری، اومودا و گانگ‌فنگ منتقل شود. محدودیت حضور خودروسازان مطرح جهانی در بازار ایران، کاهش تنوع محصولات وارداتی و رشد فعالیت شرکت‌های مونتاژی نیز به افزایش سهم برندهای چینی در بازار داخلی کمک کرده است؛ تا جایی که امروز بسیاری از خودروهای چینی، بخش قابل‌توجهی از سبد انتخاب خریداران ایرانی در بازه‌های قیمتی متوسط و بالا را تشکیل می‌دهند.

فارغ از فاصله زیاد قیمت کارخانه‌ای این خودروها در ایران و چین که ناشی از سسودجویی مونتاژکار داخلی است؛ مقایسه قیمت همین خودروها در بازار ایران و بازارهای منطقه، به‌ویژه امارات متحده عربی، تصویر متفاوتی از ارزش دلاری آنها نشان می‌دهد.

برخی محصولاتی که در ایران با قیمت‌هایی بیش از ۳۰ تا ۴۰ هزار دلار در بازار آزاد معامله می‌شوند؛ در امارات با ارقامی به‌مراتب پایین‌تر در دسترس خریداران قرار دارند. این اختلاف قیمت، حتی با در نظر گرفتن دلار غیررسمی ۲۲۰ هزار تومان، این پرسش را مطرح می‌کند که چرا خودروهایی با منشأ و برند مشابه، در دو بازار منطقه با چنین فاصله‌ای به دست مصرف‌کننده می‌رسند و چه عواملی از ساختار عرضه، هزینه‌های واردات و مونتاژ تا محدودیت رقابت و شرایط بازار داخلی در شکل‌گیری این شکاف نقش دارند؟



بررسی قیمت‌ها

بررسی قیمت‌ها نشان می‌دهد آریزو ۸ صفر در بازار ایران حدود شش میلیارد و ۹۱۰ میلیون تومان قیمت دارد که معادل حدود ۳۲ هزار و ۹۰۵ دلار است. در مقابل، قیمت مدل ۲۰۲۶ این خودرو در بازار امارات حدود ۲۴ هزار و ۵۰۶ دلار ثبت شده است. بر این اساس، فاصله قیمت آریزو ۸ در دو بازار به حدود ۸۳۹۹ دلار می‌رسد و قیمت آن در ایران حدود ۳۴ درصد بالاتر است. تیگو ۷ پرو مکس نیز در بازار ایران حدود شش میلیارد و ۲۲۰ میلیون تومان، معادل ۲۹ هزار و ۶۱۹ دلار قیمت دارد؛ در حالی که قیمت مدل ۲۰۲۶ این خودرو در امارات حدود ۲۲ هزار و ۴۴۴ دلار است. به این ترتیب، اختلاف قیمت این خودرو در دو بازار به حدود ۷۱۵۵ دلار می‌رسد و نمونه موجود در بازار ایران حدود ۳۱ درصد گران‌تر است.

بشترین شکاف قیمتی در میان خودروهای بررسی‌شده به تیگو ۸ پرو مکس مربوط می‌شود. قیمت این خودرو در ایران حدود هشت میلیارد و ۵۵۰ میلیون تومان و معادل ۴۰ هزار و ۷۱۴ دلار است؛ در حالی که قیمت مدل ۲۰۲۶ آن در امارات حدود ۲۸ هزار و ۲۸۷ دلار برآورد می‌شود؛ بنابراین اختلاف قیمت دو بازار از ۱۲ هزار و ۳۲۷ دلار عبور کرده و قیمت این خودرو در ایران حدود ۴۳ درصد بالاتر است.

فونیکس FX نیز در بازار ایران حدود پنج میلیارد و ۸۵۰ میلیون تومان یا نزدیک به ۲۷ هزار و ۸۵۷ دلار قیمت دارد. این خودرو در بازارهای خارجی در خانواده اومودا C۵ عرضه می‌شود که قیمت مدل ۲۰۲۶ آن در امارات حدود ۲۰ هزار و ۷۱۲ دلار است. در نتیجه، اختلاف قیمت دو بازار برای این خودرو به بیش از ۷۱۴۴ دلار یا نزدیک به ۳۴ درصد می‌رسد.

لامساری عرضه‌شده به صورت متفاوتی از چهار خودروی دیگر ارائه می‌دهد. این خودرو که در بازارهای خارجی با نام EVO ۵ Forthing T عرضه شده است، در بازار ایران حدود شش میلیارد و ۳۰ میلیون تومان یا ۲۸ هزار و ۷۱۴ دلار قیمت دارد. قیمت مدل ۲۰۲۶ آن در بازار امارات نیز حدود ۲۶ هزار و ۹۵۷ دلار است؛ بنابراین فاصله قیمت دو بازار فقط حدود ۱۷۵۷ دلار و معادل شش و نیم درصد است.

این اختلاف محدود نشان می‌دهد شکاف قیمت خودروهای چینی در ایران و امارات برای همه محصولات به یک اندازه نیست و عواملی مانند شیوه عرضه، سیاست قیمت‌گذاری شرکت عرضه‌کننده، میزان رقابت و وضعیت عرضه و تقاضای هر محصول می‌تواند بر قیمت نهایی تأثیر قابل‌توجهی داشته باشد.

یکی از مهم‌ترین تفاوت‌ها میان دو بازار ایران و امارات به ساختار تجارت خودرو بازمی‌گردد. حقوق گمرکی خودروهای وارداتی در این کشور به‌طور معمول پنج درصد ارزش خودرو است و مالیات بر ارزش افزوده نیز با نرخ پنج درصد دریافت می‌شود. چنین ساختاری باعث می‌شود هزینه ورود خودرو به بازار مشخص‌تر و محدودتر باشد و واردکنندگان بتوانند در فضایی رقابتی‌تر محصولات خود را عرضه کنند.

چرا در امارات ارزان‌تر است؟

یکی از مهم‌ترین تفاوت‌ها میان دو بازار به ساختار تجارت خودرو در امارات بازمی‌گردد. حقوق گمرکی خودروهای وارداتی در این کشور به‌طور معمول پنج درصد ارزش خودرو است و مالیات بر ارزش افزوده نیز با نرخ پنج درصد دریافت می‌شود. چنین ساختاری باعث می‌شود هزینه ورود خودرو به بازار مشخص‌تر و محدودتر باشد و واردکنندگان بتوانند در فضایی رقابتی‌تر محصولات خود را عرضه کنند.

عامل مهم دیگر، شدت رقابت در بازار امارات است. خودروسازان چینی در این کشور علاوه‌بر رقابت با برندهای ژاپنی، کره‌ای، اروپایی و آمریکایی، با شمار زیادی از خودروسازان چینی دیگر نیز روبرو هستند. برندهایی مانند چری، اومودا، جئور، جیلی، BYD، گک و چانگان برای افزایش سهم خود از بازار امارات ناچارند از ابزارهایی مانند قیمت‌گذاری رقابتی، تخفیف، گارانتی و خدمات پس از فروش گسترده استفاده کنند.

اما ساختار بازار ایران متفاوت است. بخش مهمی از خودروهای چینی موجود در کشور به‌صورت مونتاژی عرضه می‌شوند و تولید آنها همچنان به واردات قطعات منفصله وابسته است. هزینه تأمین ارز، حمل‌ونقل، ترخیص، حقوق ورودی قطعات، تأمین مالی و سایر هزینه‌های مرتبط با زنجیره تولید در نهایت در قیمت خودرو منعکس می‌شود، ضمن آنکه هیچ نظارتی بر نرخ‌گذاری خودروهای مونتاژی در داخل وجود ندارد و به همین دلیل مونتاژکاران داخل از این مسئله سواستفاده کرده و باوجود داخلی‌سازی، نرخ‌های گاهی تا در برابر نرخ‌های کارخانه سازنده در چین، اعلام می‌کنند. محدودیت عرضه نیز عامل دیگری است که می‌تواند شکاف قیمت را افزایش دهد. در بازاری که تعداد عرضه‌کنندگان محدودتر است و واردات خودرو با محدودیت‌های ارزی و مقرراتی روبرو‌ست، فشار رقابتی برای کاهش قیمت نیز به اندازه بازارهایی مانند امارات وجود ندارد.

در کنار این موضوع، فاصله میان قیمت کارخانه و بازار آزاد نیز بخشی از هزینه‌ای است که مصرف‌کننده ایرانی پرداخت می‌کند. برای نمونه، قیمت شرکتی تیگو ۷ پرو مکس پایین‌تر از قیمت حدود شش میلیارد تومانی آن در بازار آزاد است و درباره تیگو ۸ پرو مکس نیز فاصله قابل‌توجهی میان نرخ کارخانه و بازار مشاهده می‌شود. در نتیجه بخشی از اختلاف قیمت ایران و امارات نه در مرحله تولید یا واردات، بلکه پس از عرضه و در بازار داخلی شکل می‌گیرد.

برخی محصولاتی که در ایران با قیمت‌هایی بیش از ۳۰ تا ۴۰ هزار دلار در بازار آزاد معامله می‌شوند؛ در امارات با ارقامی به‌مراتب پایین‌تر در دسترس خریداران قرار دارند. این اختلاف قیمت، حتی با در نظر گرفتن دلار غیررسمی ۲۲۰ هزار تومان، این پرسش را مطرح می‌کند که چرا خودروهایی با منشأ و برند مشابه، در دو بازار منطقه با چنین فاصله‌ای به دست مصرف‌کننده می‌رسند و چه عواملی از ساختار عرضه، هزینه‌های واردات و مونتاژ تا محدودیت رقابت و شرایط بازار داخلی در شکل‌گیری این شکاف نقش دارند؟

جمع‌بندی

در مجموع، بررسی این پنج خودرو نشان می‌دهد یک محصول چینی می‌تواند در دو بازار منطقه‌ای با قیمت‌های کاملاً متفاوتی به دست مصرف‌کننده برسد. در چهار نمونه از خودروهای بررسی‌شده، فاصله قیمت ایران و امارات بین حدود هشت هزار تا بیش از ۱۲ هزار دلار قرار دارد؛ در حالی که این اختلاف برای لاماری ایما به حدود دو هزار دلار می‌رسد.

این تفاوت نشان می‌دهد قیمت بالاتر خودروهای چینی در ایران را نمی‌توان صرفاً به قیمت خود محصول در چین نسبت داد. نحوه عرضه، هزینه‌های زنجیره تأمین، محدودیت‌های ارزی، سطح رقابت و فاصله قیمت کارخانه تا بازار و نظارت، مجموعه عواملی هستند که می‌توانند قیمت نهایی را افزایش دهند؛ تا جایی که خودرویی مانند تیگو ۸ پرو مکس که در امارات حدود ۲۸ هزار دلار قیمت دارد، در بازار ایران با ارزشی بیش از ۴۰ هزار دلار معامله می‌شود.

اقتصاد معاصر